

شعله‌های پائیز

۱۲

گرمای دلپذیر شعله‌ها آن چنان از برگ برگ این دفتر بر ما می‌وزد که مشتاق و منتظر به سراغ پائیز شاعرانه می‌شتابیم و می‌پرسیم چرا پائیز، بهار را چه شده؟ شاید از زبان رمز بشنویم که جوانه‌های جوانی جا به رنگ‌های شعله‌ور پائیزی سپرده‌اند. هر فصلی زیبایی و ابهت خویش را داراست، اگر انسان شعله‌ی جان فروزان خود را در آن برافروزد.

تاریخ ادبیات، هنرمندان بزرگی را به یاد دارد که جهان افروز و چند استعدادی یا ذو فنون بوده‌اند. برترین نمونه، عمر خیام - این ریاضی دان و ستاره شناس شهیر است که نبوغ شعری او سراسر جهان را گرفته و قرن‌ها نسل‌های ایرانی را سربلند کرده و خواهد کرد.

در عصری که گذشت آنتوان چخوف - پزشک، نویسنده گراماتیست روس، با طنز ویرانگر و سازنده‌ی خویش شهرت جهانی یافت، البته در تمام رشته‌های کار، انسان‌های ذو فنون وجود داشته و دارند، که در این جا شاعران چند استعدادی در نظرند و دکتر مسعود عطائی - شاعر، نویسنده و پزشک از آنان است. او از فضای درد و دارو، به دنیای رویاهای رنگارنگ شاعرانه رو می‌کند و با سروده‌های خود ما را به رشک و ستایش می‌آرد.

موضوع و تم اساسی شعر مسعود عطائی انسان و آزادی اوست، در ایران و جهان. دلبستگی به وطن است و یادها و یادگارها در غبار اندوه مهاجرت که مدام شاعر را می‌آزارند. و کدام شاعری است که دور از زادگاه و زبان مادری بتواند خشنود باشد؟ اما باید زیست و بیشتر و بهتر آفرید...

مسعود عطائی شاعری است خوش بین و شادی آفرین که هرگز از محنت دیگران بی‌غم نیست. فواره‌ی فریادش وقتی بلند می‌شود که مردم را در اسارت سیه‌کاران می‌بیند. در آن صورت بی‌کار و برکنار نمی‌نشیند که سلاح شاعر - سروده‌های اوست.

از سوئی دیگر، بیشتر شعرهای عطائی لیریک و عاشقانه است. اما نه عشق افلاطونی و عرفانی. عشق زمینی است. مردی که در غزل‌های او سخن می‌گوید، خیلی جوان است، گوئی با نخستین عشق‌اش حرف می‌زند سرشار از شوق و شرم، با سادگی و بی‌تکلفی.

دلم هوای غزل کرده، خوب من بنشین

که در مقابل روی خوشات غزل خوانم

"خوب من" یادآور "تازنین" زنده یاد احمد شاملو است که خطابی است صمیمانه و نو.

لازم به یادآوری است که ممکن است برخی از نوپردازان، سروده‌های مسعود عطائی را با شعر رایج امروز ایران - شعر نیمائی و شعر آزاد، همخوان ن شمارند. همچنان که در مورد شاعر زنده یاد - فریدون مشیری چنین نظریه‌ای دیده شد اما از شهرت و محبوبیت او ذره‌ای نکاست.

اگر شاعر بتواند گوهر احساس و شعله‌ی اندیشه‌های والای خود را زیبا و تاثیر گذار بیان کند، چنان که بر دل‌ها بنشیند و به کار مردم آید، نقش هنرمندانه‌ی خور را با پیروزی انجام داده است.

فروزان باد شعله‌های شعر سراینده‌ی عزیزمان دکتر مسعود عطائی.

ژاله اصفهانی

لندن. فوریه ۲۰۰۱

سعدی مائینر

گرمای دلیز سعدی آن صفای از رنگ برگ این دفتر بر مای وزد که شتاب و منتظر به سراج
مائینر شاعرانه می شناسیم و می پریم چرا مائینر، بهار را چه شده؟ آنگاه از زبان مائینر می گویم که
چون آن جوانی جای رنگ در مائینر می سروده اند، بر فضایی زینا می و اهدت خویش را دارا است
اگر نشان سعدی جان فروزان خود را همه آن بر افروزد،

تاریخ ادبیات مائینرندان بزرگی را به یاد دارد که جهان افروز چند سعدی یا ذوقنون بوده اند
بهترین نمونه عمر ضیاء - این ریاضی دان ستاره شناس شهر است که نوع شعری او سرسبزها
را فراتر رفته و قرن آن در ایران را بلند کرده و خواهد کرد.

در عصری که گدشت آنزان خجف - نیزنگ، نویسنده، در امانت روس، با ظن ویرانگر و
سازنده خوشی است جهانی مافیت. البته در تمام رشته های کار، انسان های ذوقنون وجود داشته و
دارند که در این جا شاعران چند سعدی اند در نظرند و کمتر معود عطائی شاعر، نویسنده
و نیزنگ از آنان است. او از قصای درد و دارو به دنیا می رویا می رانگارنگ شاعرانه رو
مکاند و با سروده های خود ما را به رنگ و ستایش می آرد.

موضوع و تمهیدات شعر معود عطائی انسان و آزاد گوشت در ایران و جهان بدستگویی به وطن و آزادی و یاد

مادگار که در غبار اندوه ^{بهار} است که ددام شاعر را ما از آنند و کدام شاعر است که دور از یاد ماه و
زبان مادری بتواند خشنود باشد؟ اما باید زیست و بهر و بیشتر آفرند.

معود عطائی شاعر است خوش بین و شاد آفرین که برتر از رحمت دیگران بی غم
صفت، فواره های فریادش وقتی بلند می شود که مردم را در سارت سیم ماران می بیند در آن صورت
بن کار و برکت رهنی نشند که سلاج شاعر سروده های او است.

از نوگویی در آید، تبییر شعرهای عطائی لریک دعا شقانه است. اما نه فوق الما طون و عرفانی.
عشق زلفی است. مردی که در غزل آید او سخن می گوید، قلبی جوان است، گوئی با خندین
عشق آن حرف همانند سرباز از شوق و شرم، با سادگی و بی تکلفی.

دلیم بر او غزل کرده، خوب بین بنشین - که در مقابل روی خوشت غزل خوانم

"خوب بین" یاد آور "ما زینین" زنده یاد احمد شاد است که خطاب است صمیمانه و نو
لازم به یاد آوری است که ممکن است برخی از نوپردازان، سروده های معود عطائی را با شعر
رایج امروز ایران - شعر مائینر آزاد، همچون شمارند، همچنان که در مورد ^{شاعر} زنده یاد فریدون

مشرقی چنین نظریه دیده شد اما از هرکس و مجوسیت او درزه ای ^{شاعر} شاعر زنده یاد فریدون
اگر شاعر بتواند گوهرهای سعدی اندیشه ای و لای خود را بنیاد و ما شاعر گذار بیان کند
چنان که به دل گذشتند و به کار مردم آید، از نقش مائینر نامی خود را با مائینر و زینا انجام داد.

فروزان یاد سعدی شوهر آینده مائینر زمان دیگر معود عطائی